

بازتاب نمادین مشروعیت بر سکه‌های ساسانی مطالعه موردی: دوران قباد اول و جاماسب

ایلناز رهبر¹، محمود طاووسی²، رضا افهمی^{3*}، علی شیخ مهدی⁴، حسن علی پورمند⁵

(تاریخ دریافت: 93/6/11، تاریخ پذیرش: 93/8/7)

چکیده

زمینه‌ها و تغییرات اجتماعی نقش مهمی در شکل دادن به آثار تصویری و هنری وابسته به حکومت هر دوره دارند. از این رو پژوهش کنونی، با هدف تبیین رابطه علیت میان نقوش سکه‌های ساسانی حد فاصل دوران قباد اول و جاماسب، به‌عنوان دوره‌ای پر تنش از منظر سیاسی در دوره ساسانی و اندیشه‌های سیاسی مرتبط با نمایش قدرت و مشروعیت در دوران پادشده سعی دارد جایگاه رسانه تصویری در بازتاب و انتقال این مفاهیم و تحول آن‌ها در سیر

مقاله حاضر برگرفته از مباحث نظری رساله دکتری ایلناز رهبر با عنوان «دگرگونی گفتمان شهریاری در آثار هنری دربار ساسانیان (با تأکید بر نقوش برجسته، ظروف، سکه‌ها و معماری)» است که در رشته پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس با راهنمایی دکتر طاووسی (استاد راهنمای اول) و دکتر افهمی (استاد راهنمای دوم) انجام گرفته است.

1. دانشجوی دکتری، گروه پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

2. استاد، گروه پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

*Afhami@modares.ac.ir

3. استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

4. استادیار گروه انیمیشن و سینما، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

5. استادیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تغییرات اجتماعی را آشکار سازد. دلایل انتخاب دوره یادشده، تنوع رخدادهای مهم خلع قباد اول از قدرت و جانشینی جاماسب در نتیجه ظهور مزدکیه و به سلطنت رسیدن دوباره او و انتخاب تصاویر سکه‌ها، به دلیل تغییرات مکرر آن‌ها در این دوره، اهمیت آن‌ها در نمایش تغییرات مفاهیم قدرت و مشروعیت و نقش آن به عنوان رسانه‌ای عمومی و قابلیت انتساب تاریخی دقیق آن‌ها بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در تصاویر دوره ساسانی، بیان نمادین متکی به اندیشه‌های زرتشتی به عنوان ابزار حکومت برای نمایش مشروعیت کاربرد داشته و برای جبران ضعف مشروعیت هم‌زمان با بروز بحران در اندیشه و عمل شهریاران، استفاده از این نمادها فزونی می‌یافت. تأکید قباد اول بر علایم نجمی نمایشگر فره‌مندی و در مقابل نمایش دیهیم‌گیری برای نمایش برتری خود، توسط جاماسب، جانشین او پس از خلع از قدرت، و استفاده دوباره قباد از نمادهای سنتی مشروعیت خود در ترکیب با دیهیم به منظور فزونی بیشتر فره خویش پس از رسیدن مجدد به قدرت را می‌توان شواهدی بر تغییرات تصویری بیان مشروعیت در دوره پر تنش یادشده دانست. تحقیق به شیوه توصیفی تحلیلی و از طریق بررسی رابطه میان تغییرات تصاویر سکه‌ها و تغییرات مبانی قدرت و مشروعیت در این دوره صورت گرفته و هدف از تحلیل نمایش میزان معناداری تغییرات تصویری و هم‌گرایی آن‌ها با تغییرات سیاسی دوره مزبور بوده است.

واژه‌های کلیدی: هنر ساسانی، سکه‌های ساسانی، قباد اول، جاماسب، مشروعیت.

1. مقدمه

آلن گونز (13: 1971) مورخ مشهور تاریخ هنر، کاربردهای متعددی برای آثار هنری برمی‌شمارد که یکی از آن‌ها «متقاعد ساختن و تبلیغ» است. «هنر با استفاده از تصاویر و اشکال مرتبط با ایده‌های خاص، عقاید بنیانی یا آرمان‌های قابل تحقق جوامع را نشان می‌داد [...] هنر با استفاده از تصویر، قصد داشت مردم را به سوی عقاید و باورهای جدیدی هدایت کند. لوح پیروزی نارام‌سین شیوه‌ای تبلیغی برای شکل دادن به اعتقادات مردم بود تا حاکمان جدید را در هیئت خدایانی بی‌رحم ببینند». در این میان برخی از هنرهای تصویری به دلیل فراگیرتر بودن بیشتر مورد توجه حاکمان بود. چنان‌که از زمان اختراع سکه در اواخر قرن هفتم پیش از میلاد، سکه وسیله مبادله و همچنین نمود قدرت ضرب‌کنندگان آن نیز بود (آرام، 1392: 21). مستند

بازتاب نمادین مشروعیت بر سکه‌های ... _____ ایلناز رهبر و همکاران

«جهان، آفریده هنر¹»، با تمرکز بر مفهوم پیدایش تصاویر و نقش سکه در تبلیغات شهریاری به پیشینه این امر در حوزه ایران اشاره می‌کند.

در هنر هخامنشی برای تبلیغات شاهانه برای خواص و سران کشورها تبلیغات شاهانه در کاخ‌هایی مانند تخت‌جمشید صورت می‌گرفت. داریوش درصدد بود تا برای اقشار مردم نیز تبلیغات خود را نمایش دهد؛ بنابراین از هنر بهره می‌گیرد و از لوگوی کمان، که به معنی رهبری و خرد و یا مفهوم تعادل‌داشتن برای تیرانداز آن است، در سکه‌ها استفاده کرد. از سوی دیگر اسکندر برای نخستین بار در تاریخ از تصویرسازی چهره استفاده کرد. علاوه‌بر تصاویر شاهانه و مرتبط به قصر، اسکندر می‌خواست برای زیردستان خود نشانی داشته باشد تا به‌طور روزمره قدرت و شهریاری پایدار و ابدی خود را یادآوری کند؛ بنابراین اسکندر از تصویر خود بر سکه استفاده کرد و هر چه همراه تصویر نمایش داده می‌شد نیز مشروعیت داشت.

در دوره ساسانی اندیشه سیاسی به‌عنوان اندیشه غالب در تمامی شئون جامعه نمود داشت و آمیختگی سیاست به تمام امور که به نوعی با آیین‌های کشورداری پیوند داشت از ویژگی‌های اساسی نوشته‌های ایران‌شهری است؛ زیرا در دوره باستانی ایران تأمل در امور سیاسی و فرمان‌روایی، با هر اندیشه‌ای درباره کشورداری پیوندی ناگسستنی می‌یافت و این امور در دورن اندیشه‌ای فراگیر که می‌توان آن را سیاسی توصیف کرد، دریافت می‌شده است (طباطبایی، 1385: 71). «به دیگر سخن در دوره باستان و نیز در عصر زرین فرهنگ ایران، اندیشه فراگیر، اندیشه سیاسی می‌بوده و هر اندیشه‌ای، از خنیاگری و معماری تا آداب نشست و برخاست رعیت و بزرگان، شطرنج باختن و آیین‌های مربوط به شکار و ...، لاجرم با تکیه بر آن اندیشه فراگیر و در درون آن سامان می‌یافته است» (همان).

با این نگاه ویژه به سکه‌ها شاید بتوان گفت دوره ساسانی از مهم‌ترین دورانی است که به سهولت توازن قدرت و مشروعیت² را در سکه‌ها نشان داده است. در حقیقت سکه‌ها شناخته‌شده‌ترین و رایج‌ترین محصول کارگاه‌های حکومتی ساسانی بودند و ابزار مهمی برای کسب مشروعیت و تبلیغات و در نتیجه دولت نیز بر ضرب‌خانه‌ها به دقت نظارت می‌کرد (دریایی، 1387: 31). بنا به گوبل (1382، 57: 63)، تاریخ هنر بهترین بهره را از سکه‌شناسی ساسانی برده و همچنین نشانگر خلاقیت خاص هنر ساسانی است و کلید فهم هنر این دوره به شمار می‌رود، اما برای شناسایی نحوه بازتاب این مشروعیت در قالب تصویری بهترین دوره‌ها،

دوره‌های بحران مشروعیت هستند. زیرا تبلیغات شاهانه یا مشروعیت هنگامی خود را به بهترین شکل نشان می‌دهد که اغتشاش و آشوب در جامعه رخ دهد و یا به عبارت بهتر ایدئولوژی شاهانه تضعیف شده و یا دچار خلاء قدرت باشد. هنگامی که گسستی در جامعه به وجود می‌آید، این بحران باید به نحوی در قالب بازنمایی حل شود؛ بنابراین با توجه به این که شکل و محتوا ارتباط تنگاتنگی دارند، تغییرات ایجادشده در شکل و نوع تصویر ممکن است بازتاب تغییرات ذهنی افراد و یا تغییرات به وجودآمده در محیط باشد که سرانجام تغییرات ذهنی، تغییرات تصویری را در آثار ایجاد خواهد کرد. یا به عبارت دیگر هر تغییر در نشانه‌های بصری نشانه نوعی تغییر در اذهان است. برای نمونه خسرو دوم که در دوره او کشور با مخالفت‌ها و جنگ‌های طولانی همراه بود، سکه‌ها سه بار تغییر کردند که این تغییرات مستقیماً با آرزوهای سیاسی و دینی این پادشاه پیوند دارد (دریایی، 1387:31).

تورج دریایی علاوه بر مقاله «استفاده از تبلیغات دینی - سیاسی در سکه‌های خسرو دوم» (1387)، در مقاله «سکه ملکه بوران و اهمیت آن در درک ایدئولوژی سلطنتی اواخر دوران ساسانیان» (1391) نیز به تجلی قدرت و کسب مشروعیت در سکه‌های این دوره پرداخته و ابوالعلاء سودآور نیز در کتاب فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان (1383) اشاراتی در زمینه سکه‌های ساسانی آورده است. از پژوهش‌های پیشین در ارتباط با موضوع بحران و گسست حکومتی و کسب مشروعیت در آثار هنری، باید به رساله دکتری رضا افهمی با عنوان «فرهنگ بصری حاکم بر هنر هخامنشی» (1385)، رساله دکتری مهتاب مبینی با عنوان «پژوهشی در نمادها و نمایش قدرت پادشاهان در هنر هخامنشی» (1391) و رساله دکتری مهدی افشار با عنوان «نسبت میان تصویر و قدرت در دوره قاجاریه متأخر (دوره ناصری تا انقلاب مشروطه)» (1392) و مقالاتی چون «ریافتی به سیاست‌های فرهنگی ایلخانان در سده سیزدهم/هفتم در واکاوی نقوش سفال‌های زرین‌فام ایران» (1389) از هانیه نیکخواه و علی شیخ‌مهدی نام برد.

در هیچ‌یک از پژوهش‌های یادشده مربوط به دوره ساسانی، به‌طور خاص، به سکه‌های قباد اول و جاماسب پرداخته نشده است. با توجه به این که دوره قباد اول (دوره اول و دوم حکومت) و پادشاهی جاماسب چالش‌ها و گسست‌های بسیار زیادی در حکومت ساسانی رخ داده است (مانند ظهور مزدک)، آثار هنری و به‌طور خاص سکه‌های این دوران می‌تواند

بازتاب نمادین مشروعیت بر سکه‌های ... _____ ایلناز رهبر و همکاران

نمایش‌گر ظهور نمادها و نشانه‌های جدید باشد. مسأله پژوهش کنونی، تبیین رابطه میان نمایش تصویری قدرت و تغییرات و بحران‌های سیاسی در دوره ساسانی با اتکا به مطالعه تغییرات تصویری سکه‌های قباد اول در دو دوره حکومت وی است. اهمیت انتخاب این برهه زمانی به واسطه بحران‌های متعدد مشروعیت پیش‌آمده برای او و جانشین موقتش، جاماسب، از منظر دینی و سیاسی است. فرضیه این پژوهش نیز وجود نوعی رابطه معنادار میان گسست و تغییرات تصویری این دوره و کاربردهای مختلف نمادهای شهریاری، راهبرد کسب و نمایش مشروعیت متناسب با شرایط سیاسی هر دوره است.

تحقیق براساس هدف از نوع بنیادین نظری و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی، تاریخی و متکی به تحلیل محتوا و تحلیل بصری سکه‌های این دوره خواهد بود. شیوه گردآوری اطلاعات نیز به روش کتابخانه‌ای است. در ادامه ابتدا به مفاهیم بنیادی اندیشه شهریاری انعکاس یافته در سکه‌های این دوره و سپس سکه‌های دوره‌های مورد بحث خواهیم پرداخت.

2. اندیشه شهریاری - فره

مرکز نیرومندترین قدرت حکومت در جامعه ایران باستان، اندیشه شهریاری است (کناوت، 15:1355). اندیشه شهریاری در ایران باستان و به‌طور اخص دوره ساسانی در پرتو اندیشه سیاسی معنا می‌یابد و همچنین باید یادآوری کرد که اندیشه سیاسی در ایران تنها از رهگذر سنت مذهبی آن فهم می‌شود (رضایی‌راد، 21:1378). ارتباط شهریار با خدا، شیوه قدرت‌بخشی و مشروعیت‌آفرینی برای شهریار، تعریف فرمان‌برداری از شهریار به مثابه وظیفه الهی و دینی از جمله مهم‌ترین محورهایی است که الهیات ایرانی را با اندیشه سیاسی پیوند می‌زند (رستم‌وندی، 26:1388). در نتیجه باید «سرشت قدسی سیاست» یا «فرمان‌روایی الهی» را پذیرفت و بر این اساس شهریار ایرانی نماینده خدا بر زمین به شمار می‌رود (همان: 33). در نتیجه همه نوشته‌های تاریخی با اهمیت عصر زرین فرهنگ ایران را با توجه به نوعی نظریه شاهی آرمانی می‌توان مورد بررسی قرار داد (طباطبایی، 74-73:1385).

از نظر اندیشه سیاسی مهم‌ترین اتفاق در دوره ساسانی رسمیت یافتن آیین زردشتی است. اگرچه اندیشه سیاسی در ادوار پیشین همواره از انتساب به جهان قدسی و معنوی بهره

می‌جست، هیچ‌گاه به آن جنبه رسمی نبخشیده بود، اما در دوره ساسانی به‌طور رسمی این دیدگاه شکل می‌گیرد، «آیین زردشتی در این دوران به مثابه اهرمی فعال در زمینه راهبرد اندیشه سیاسی، نقشی فعال بر عهده گرفت. رسمیت یافتن آیین زردشتی از یک‌سو مشروعیت حکومت مرکزی را تضمین، و از سوی دیگر مشروعیت خود را از آن کسب می‌کرد» (رضایی راد، 10:1378). ساسانیان در کتیبه‌ها و برخی سکه‌های این دوران از عبارت «که چهر از یزدان دارد» استفاده می‌کردند و این عبارت به خوبی حاکی از ارتباط شهریار ساسانی با اندیشه‌های دینی زردشتی دارد.

مفهوم فره یکی از اجزای اندیشه شهریاری است که ارتباط با مفاهیم دینی دارد. فره یکی از ادراکات ذهنی بسیار معروف فرهنگ ایرانی است که مشخص‌کردن مفهوم دقیق آن بسیار مشکل است (آموزگار، 1390: 351). بحث فره از آن‌جا که در مرکز بحث شاه آرمانی قرار دارد بسیار حایز اهمیت است (رضایی راد، 1378: 274). در دوره ساسانیان در کتاب کارنامه اردشیر بابکان، این رابطه قدرت‌نمایی سیاسی و سیطره فرمان‌روایان و نقش ساسانیان در برپایی اماکن مقدس و ترویج اعتقادات مذهبی به چشم می‌خورد، همچنین تنها کتاب تاریخی است که در عصر ساسانی و به زبان پهلوی نوشته شده و امروز نیز در دست است³ (باقری، 1378: 14-15)، و در آن ایدئولوژی ساسانیان از مفهوم فره در مفهوم سیاسی به بهترین وجه نمایان است. مفهوم فره در اوستای متأخر به‌ویژه در عصر ساسانیان و متون پهلوی اهمیت و نقش ویژه‌ای می‌یابد و در این میان اصطلاحات فره ایرانی و کیانی اهمیت بیشتری دارد (رستم‌وند، 1388: 40). همراه‌شدن فره با اردشیر به شرح زیر است.

زمانی که اردوان اشکانی و سپاهیان به دنبال اردشیر بودند، از مردم درباره او و کنیزک سوال کردند. مردم گفتند بامداد آن‌ها را دیده‌اند و قوچی فره⁴ که از آن نیکوتر ممکن نیست، از پس ایشان می‌دوید. در آبادی دیگر پرسیدند، گفتند نیم‌روز آن‌ها را دیده‌اند و قوچی دوشادوش آن‌ها می‌رفت. اردوان از وزیرش درباره قوچ پرسید. وزیر گفت که آن قوچ «فره ایزدی کیان» است که هنوز به او نرسیده است. آن‌ها دویدند تا پیش از رسیدن فره او را بیابند. سپس از کاروانی پرسیدند، آن‌ها گفتند که میان شما و آن‌ها سی فرسنگ فاصله است و چنین به نظرمان رسید که قوچ بسیار بزرگ و چابکی همراه یکی از آن سواران بر اسب نشسته بود. اردوان از وزیر در این باره پرسید و او گفت زنده باشید، فره کیان به اردشیر رسید و به هیچ چاره

بازتاب نمادین مشروعیت بر سکه‌های ... ایلناز رهبر و همکاران

نمی‌توان او را گرفت (باقری، 35-34:1378). می‌توان این‌گونه استنباط کرد که پادشاهی غیرممکن است مگر آن‌که فره کیانی همراه شهریار باشد و ساسانیان در قالب یک داستان و با پرداخت آن، چنین ایدئولوژی‌ای را به مردم القا می‌کردند.

ذکر نکته بسیار قابل توجهی درباره این داستان بی‌فایده نیست. دریایی (45-44:1391) عنوان می‌کند که داستان اردشیر بابکان متعلق به قرن ششم و هفتم میلادی است نه زمان اردشیر؛ زیرا در آن اصطلاحاتی مانند شطرنج و بازی نرد است که مربوط به دوره خسرو اول است و به احتمال این اقدامی خسرو اول بود تا از اردشیر پادشاهی آرمانی بسازد.⁵ هدف خسرو از این تبلیغات توجیه اقداماتش در مواجهه با مشکلات قرن پنجم و ششم میلادی بود (همان: 42). به عبارت دیگر می‌توان گفت در بحران‌های قرن پنجم و ششم قدرت و دربار ساسانی با تزلزل مواجه شد و نیاز به کسب مشروعیت داشت و بدین طریق مفهوم فره که مساوی با شهریار بر حق بود، اگرچه همواره مسأله مهمی بوده، در این دوران دوباره اوج می‌گیرد. در هر صورت این داستان به صراحت حکومت برحق و مشروع را به اندیشه دینی زردشتی یعنی فره مرتبط می‌کند. در آثار هنری نیز، تمهیدات تصویری برای نمایش مشروعیت بدین شکل بود که بیشتر پادشاهان می‌کوشیدند از علایم فره استفاده و بدین شکل حکومت خود را قانونی اعلام کنند. از آن‌جا که تاج پادشاهی نمایان‌گر فره ایزدی بود، پادشاهان در اثر حوادث بسیار مهم یا شکست‌های ناگوار تاج جدیدی انتخاب می‌کردند (سرفراز و آورزمانی، 93:1380). با یاد این مقدمات به بحث اصلی یعنی دوران تاریخی قباد اول و جاماسب و تغییرات سکه‌ها پرداخته می‌شود.

3. دوران قباد، جاماسب

قباد اول پادشاه ساسانی، دوبار بر تخت پادشاهی نشست، بار نخست میان سال‌های 488-496 و بار دوم 499-531 (میلادی). ایشان جانشین بلاش و پسر پیروز یکم بود. به گفته طبری (637:1375) پیش از آن‌که پادشاه شود به نزد خاقان رفته و بر ضد برادر خود بلاش از خاقان یاری طلبیده بود. سرانجام قباد به پادشاهی می‌رسد، اما از آغاز پادشاهی دچار گرفتاری‌های سیاسی و اقتصادی بسیاری بود. در این زمان پادشاهان بسیار ناتوان شده بودند و بزرگان کشور

آن‌ها را برداشته و می‌نشانند و به جای ایشان برای کشور تصمیم می‌گرفتند. به نظر می‌آید که این نفوذ فوق‌العاده خاندان‌های نجبا عاملی بوده که اندک اندک قباد را بر آن داشته است تا برای سرکوبی این نجبا در آیین مزدک و در میان عامه مردم تکیه‌گاه قابل اطمینانی برای خود جستجو کند (زرین‌کوب، 1364: 467). قباد به یاری مزدک توانست از توان زمین‌داران و موبدان و اشراف بکاهد. قباد با پشتیبانی از مزدک میان توده مردم محبوبیت یافت. به فرمان او درب انبارهای غله شاهنشاهی به روی مردم گشوده و زمین‌های کشاورزی میان دهقانان بخش شد. البته در نوشته‌های زرتشتیان این دوره را دوره آشوب می‌شناسند. اظهار علاقه پادشاه به مزدک و یارانش فرصت داد به نهضت خود شکل انقلابی ببخشد و اعیان و نجبا که ضربت را در واقع از قباد خورده بودند بر ضد او با موبدان و روحانیان هم‌دست شدند. سرانجام در سال 496 قباد را دستگیر کردند و برادرش جاماسپ را به جای او به شاهی رساندند. قباد به یاری دوستان و خواهرش از زندان گریخت و به نزد هیاطله (هفتالیان) پناهنده شد، و به یاری آن‌ها نیرویی بسیج کرد و در سال 499 میلادی به ایران بازگشت. برادرش جاماسپ به سود او از پادشاهی چشم پوشید و قباد دیگر بار بر تخت پادشاهی نشست.

4. معرفی و تغییرات سکه‌های قباد اول (دوره اول) - جاماسپ - قباد اول (دوره دوم)

به دلیل آن‌که قباد یک بار از سلطنت خلع شد، سکه‌های او در دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند، دوره اول سلطنت و دوره دوم آن، در این فاصله زمانی نیز سکه‌های ضرب‌شده دوره جاماسپ است.

1-4. سکه‌های قباد اول (دوره اول)

در یکی از سکه‌ها تاجی شبیه تاج بلاش بر سر دارد (شکل 1) و ظاهراً این سکه جزء نخستین سکه‌های قباد است. روی سکه دوره اول (شکل 1، 2) یک ستاره و دو ماه بالای شانه‌های پادشاه دیده می‌شود که افزون بر علایم پیشین دوره‌های قبل است. گوبل (1382: 76) اذعان دارد نمادهای نجمی یعنی هلال ماه و ستاره با قباد اول آغاز می‌شود و تقریباً به‌صورت پایدار در سکه‌ها باقی می‌ماند، که منظور وی انتقال آن‌ها به سکه است و گرنه در زمان پیروز این

بازتاب نمادین مشروعیت بر سکه‌های ... ایلناز رهبر و همکاران

علایم به پشت سکه اضافه شده بود. همچنین دیهیم نیز به صورت نمای روبه‌رو و تقارنی مانند سکه‌های نوع سوم پیروز تصویر شده است. تا سال دوازدهم سلطنت قباد، گونه‌شناسی سکه‌ها به همین ترتیب باقی می‌ماند. نکته قابل توجه دیگر درباره قباد این است که او اصلاحاتی در سکه‌زنی، مانند تنظیم و نظارت بر ضرب، نشان اختصاصی سکه‌خانه و ذکر سال‌های سلطنت را در کنار پیگیری اصلاح نظام مالیاتی خسرو انوشیروان و آغاز مساحی زمین‌ها انجام می‌دهد (گوبل، 1382:137).



شکل ۱ قباد اول با تاج بلاش - سکه دوره اول سلطنت
(سکه‌های ساسانی)



شکل 2 قباد اول - سکه دوره اول سلطنت
(www.grifterrec.com, 2014/3/12)

2-4. سکه‌های جاماسب

تغییرات سکه در دوره کوتاه سلطنت جاماسب، برادر قباد اول، شامل حذف ماه و ستاره از روی سکه، یک‌طرفه شدن دیهیم زیر شانه‌ها و عدم وجود نمای روبه‌رو از آن و مهم‌تر از همه این‌که شخصی دیگر به جاماسب دیهیم یا حلقه قدرت را می‌دهد. گویا او می‌خواهد با نشان

دادن این صحنه، حکومت خود را مشروع اعلام کند. این الگو در تمامی سکه‌های جاماسب در سال‌های سلطنت او دیده می‌شود و تنها تغییرات تدریجی از سال اول تا سوم حکومت او، بلندتر شدن نوار دیهیم اهدایی شخص دیگر به او است (شکل 3).



شکل 3 جاماسب - سکه‌های سال اول، دوم و سوم سلطنت
(www.grifterrec.com, 2014/3/12)

به نظر گوبل (66:1382) سنگ‌نگاره‌ها الگوی جاماسب برای ضرب این نوع سکه‌ها بوده‌اند و هیچ تصویری از جاماسب بر سکه‌ها نیست که فردی در مقابلش نباشد؛ همچنین از نظر گوبل، شخص روبه‌روی جاماسب که حلقه گل [احتمالاً منظور دیهیم است] با نوار به او می‌دهد (همان)، اهورامزداست. هر چند این موضوع قطعیت ندارد، اما از آن‌جا که اهدای دیهیم یا حلقه قدرت باید با تأیید الهی همراه باشد، شخص اهداکننده شاید از ایزدان زرتشتی باشد.

5. سکه‌های قباد اول (دوره دوم سلطنت)

تغییرات سکه در دوره دوم سلطنت او را بدین شکل می‌توان توضیح داد: روی سکه یک ستاره و دو ماه در کنار تصویر شاه به روی سکه اضافه شده است (مانند سکه‌های نوع اول) (تصویر 4) و در برخی سکه‌ها تعداد این ستاره‌ها دو عدد است و علاوه‌بر این ستاره و ماه، تغییر اصلی در این

بازتاب نمادین مشروعیت بر سکه‌های ... ایلناز رهبر و همکاران

دوره حکومت یک ستاره و ماه است که سه بار در پیرامون حلقه بیرونی در سمت چپ، راست و پایین سکه تکرار شده است. البته روی سکه در دوره اول سلطنت قباد نیز یک ستاره و دو ماه وجود داشت، اما در این دوره با اضافه شدن این علائم در پیرامون حلقه، یک ستاره هم در برخی مواقع علاوه بر علائم قبلی ترسیم شده که در نهایت در برخی سکه‌ها در داخل حلقه دو ستاره دیده می‌شود. یک دیهیم که از نمای روبه‌رو ترسیم شده به تاج پادشاه اضافه شده و دیهیم قبلی به شکل سکه‌های دوره اول سلطنت قباد یعنی نمای روبه‌رو برگشته است.

تغییرات دیگر در سال‌های بعدی، سکه‌ای طلایی مربوط به بیست و پنجمین سال حکومت قباد است که روی سکه پادشاه از نمای روبه‌رو و در پشت سکه، در حال گرفتن حلقه قدرت ترسیم شده است (امینی، 1389:274) (شکل 5). اگرچه شخص دیگری که نمایش‌گر اهداگر حلقه به او است، وجود ندارد.



شکل 4 قباد اول - دوره دوم سلطنت
(www.grifterrec.com, 2014/3/12)



شکل 5 سکه طلای منحصر به فرد قباد اول (سکه‌های ساسانی)

در سال 33 حکومت قباد (امینی، 1389:274) یک حلقه پیرامونی به حلقه پشت سکه اضافه می‌شود (شکل 6). از تغییرات دیگر در نوشته‌های سکه می‌توان به افزودن کلمه «افزون» (یا «افزوت») روی سکه‌ها اشاره کرد (سودآور، 1383:20). در سکه‌های قباد اول چون او تاج و تخت را از دست داده بود و دو سال بعد به یاری هیاطله آن را پس گرفت، واژه «افزون» را

پس از مراجعت افزود و همراه با آن نیز دایره مدرجی به دور سکه اضافه می‌شود. سودآور در این‌جا به نظریه خود به نام «فره افزون» اشاره می‌کند. به عبارت دیگر او می‌خواهد بگوید که لغت افزون به تنهایی روی سکه کافی نیست بلکه باید جزیی از ترکیب «نوشته و تصویر» باشد یعنی ترکیب لغت با دایره اضافه شده، معادل واژه فره افزون است؛ زیرا در قبل قباد دستار فر به دور سر داشت و حالا دایره‌ای چون شمس که نماینده فره است به دور سر او اضافه شده بود تا معنی فره افزون از آن مستفاد شود. شکل 6، یک قاب گچین یافته شده در حوالی تیسفون، که سودآور (22:1383) عنوان می‌کند دومی‌اش آن را «افزون» خوانده نیز مشابه سکه قباد اول است که این بار حلقه مروارید و دو بالک نماد فره هستند و در نتیجه مفهوم فره افزون دیده می‌شود (شکل 7).



شکل 6 قباد اول

(www.grifterrec.com, 2014/3/12)



شکل 7 قاب گچین با ترکیبی از لغت افزون و دو بالک و

دستار و حلقه مروارید (سودآور، 1383، 167)

از نظر سودآور (21:1383) مفهوم «فره افزون» در بسیاری از نقش‌های ساسانی ظاهر و در نوشته‌های پهلوی مستتر و کوششی است برای نگهداری و افزایش آن. پس از نظر او جمله نوشتاری باید به یاری تصویر بیاید تا با هم معنی فره افزون را نشان دهد. در این بخش از نظر

بازتاب نمادین مشروعیت بر سکه‌های ... ایلناز رهبر و همکاران

نگارندگان تمامی این گفته قابل پذیرش نیست و می‌توان نظریه «فره افزون» سودآور را با تفسیر دیگری پذیرفت و اضافه کرد که در هر صورت وجود علایم بیشتر فره سبب نشان دادن قدرت بیشتر پادشاه است و می‌توان در دوران گسست‌ها این علایم را در آثار تصویری جستجو کرد که اضافه‌شدن علایم بیشتر به پادشاه، حاکی از افزونی فره است که پیروزی او را موجب می‌شود و مشروعیت او را به وضوح نشان می‌دهد. پس در این جا مفهوم فره افزون را نه به معنی مورد توجه او، بلکه به معنی داشتن فره هر چه بیشتر به‌کار خواهیم برد؛ زیرا همان‌گونه که امروز سران نظامی پس از ارتقاء به درجه بالاتر از علایم بیشتری بر لباس‌هایشان استفاده می‌کنند، در گذشته نیز هر چه علایم و نشانه‌های مربوط به یک حکمران بیشتر بوده، قدرت او را نزد افراد بیشتر نمایش داده و در نتیجه او را حکمران برتر معرفی کرده است (Spivy, 2005).

اضافه‌شدن حلقه دوم از سال 33 حکومت قباد اتفاق می‌افتد و با توجه به اطلاعات کنونی نمی‌توان به سادگی دریافت که واژه افزون هم از سال 33 اضافه شده است یا خیر. در گروهی دیگر از سکه‌های او که مسی هستند تصویر خسرو اول (انوشیروان) در هنگام ولیعهدی در پشت سکه ترسیم شده که لقب او «شتردار» است (امینی، 1389: 274). در این نوع سکه صرفاً یک حلقه در پشت سکه دیده می‌شود و ولیعهد هم دیهیم زیر شانه‌های شاه را ندارد (شکل 8). گوبل (1382: 74) اشاره می‌کند که قباد اول در دینار ویژه‌ای واژه کی را می‌افزاید، همان‌گونه که یزدگرد دوم و پیروز نیز این اقدام را کرده بودند، اما در مورد زمان آن توضیحی نمی‌دهد.



شکل 8 قباد اول - سکه مسی

(www.grifterrec.com, 2014/3/12)

دلایل تغییرات سکه‌ها براساس شواهد تاریخی

تغییرات سکه‌های ساسانی را می‌توان با تغییراتی در تحولات تاریخی معادل دانست.

تکرار تاج بلاش توسط قباد اول

در ابتدای حکومت قباد، ابتدا او را با تاج بلاش برادرش می‌بینیم. استفاده از تاج بلاش به نوعی مشروعیت گرفتن از پادشاه پیشین است. در طبری درباره پادشاهی قباد و بلاش چنین آمده است که بلاش و قباد هر دو فرزندان یزدگرد بودند. نخست قباد با پادشاهی بلاش مخالفت کرد، اما مغلوب شد و به سوی خاقان پادشاه ترکان گریخت (طبری، 637:1375). بنابر روایت طبری (همان: 639) قباد خبر مرگ بلاش را می‌شنود و پس از این به پادشاهی می‌رسد. این فرض را می‌توان مطرح ساخت که او با بر سر نهادن تاج متعلق به بلاش، قصد مشروعیت حکومت خود در تداوم حکومت برادرش را داشته تا تأثیر مخالفت‌های پیشین خود که مانعی بر سر مشروعیت او بوده را حذف کند. خسرو دوم نیز در ابتدا تاج پدر خود را بر سر می‌گذارد و بدین وسیله حکومت خود را قانونی اعلام می‌کند و به گفته دریایی (32:1387) گذاشتن تاج پادشاه پیشین بی‌سابقه نبوده و به سده سوم یعنی زمانی که شاپور یکم برای قانونی کردن حکومت خود تاج اردشیر یکم را بر سر نهاد باز می‌گردد. گوبل (93:1382) دلیل کمبود زمان در این زمینه را نیز مطرح می‌کند.

اغلب از شاهانی که فرمان‌روایی کوتاهی داشتند سکه‌ای باقی نمانده است. به دلیل فاصله زمانی بین شاه‌گزینی و تاج‌گذاری شاه، مشروط بر این‌که قاعداً وجود داشت و برای مقاصد خاصی (چون عطایا) ضرب فوری یا افسر واسطه موقتی ضروری نبود، ضرب سکه با تأخیر انجام می‌شد، زیرا تصویر هر شاه را که مختص خود او طراحی شده بود فقط پس از تاج‌گذاری می‌توانستند روی سکه ضرب کنند.

شاید بتوان نظر گوبل را هم لحاظ کرد که تکرار تاج پادشاه پیشین به دلیل آن بوده که هنوز تاج‌گذاری صورت نگرفته بود. در هر حال با پذیرفتن این نظر باز هم نمی‌توان کسب مشروعیت را نادیده گرفت.

اضافه‌شدن ستاره و ماه به سکه

به نظر می‌رسد ماه و ستاره نماد ایزدان زردشتی بوده است. ماه از نمادهای آناهیتا و پرتو خورشید [به‌جای ستاره از خورشید نام برده شده] نماد مهر بوده است (سرفراز و آورزمانی، 1380:90). گوبل (1382:86-85) نماد ستاره و ماه را در بخش علایم جانبی سکه‌ها توضیح می‌دهد و از نظر او نمادهای نجمی و توزیع آن‌ها در سطح سکه مفهوم ژرفی دارد، ولی خود او دقیقاً به مفهوم آن نمی‌پردازد و فقط درباره ستاره و ماه خارج از سکه‌های خسروپرویز اشاره می‌کند که می‌تواند به ارتباط پادشاهی با چهار اقلیم عالم اشاره داشته باشد. ستاره و هلال جلوی تاج چهارکنگره‌ای یا سه‌کنگره‌ای پادشاهان سمل‌های قابل مشاهده روی سکه است و در عالم واقع بر تاج شاهان دیده نمی‌شود؛ بنابراین می‌توان اذعان داشت ساختن آن‌ها روی تاج پادشاه روی سکه بسیار آسان‌تر از ساختن آن‌ها روی تاج واقعی بوده است (امینی، 1389:53). با توجه به گفته‌های بالا نمی‌توان به‌طور دقیق مفهوم این علایم را مشخص کرد، اما از مقایسه با تغییرات دیگر سکه و کنار هم قرار گرفتن تغییرات و اضافه‌شدن ستاره و ماه، می‌توان چنین پنداشت که قطعاً این مفاهیم مضمون دینی داشته‌اند. در ادوار تاریخ هم اقوام مختلف همواره از خدایان و نقوش مذهبی در تزیین سکه‌ها استفاده می‌کردند، به طوری‌که این نقوش نقش مؤثری در روشن‌شدن تاریخ مذهب قدیم داشته‌اند⁶ (بیانی، 1355:24). دلیل دیگر برای اثبات داشتن مفهوم دینی این است که برای نخستین بار در پشت سکه‌ها و داخل حلقه، به عبارت دیگر در بخش شعایر دینی زردشتی، در زمان پیروز اول این علایم علاوه‌بر علایم پیشین مانند آتش‌دان و ملازمین اضافه شده است. در نتیجه می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که این نمادها مفهوم دینی داشتند. روی و یا در کنار تاج برخی پادشاهان اشکانی نیز ستاره یا خورشید حک شده است. برای نمونه سکه‌های اردشیر اول با کلاه اشکانی نیز این علامت را دارند. روی نخستین سکه‌های اردشیر یعنی «پاپک و اردشیر» نیز علامت هلال ماه و بدون ستاره، همراه با دایره، دیده می‌شود. در دوره اشکانی ماه و ستاره نماد شهریاری بودند (سرفراز و آورزمانی، 1380:41).

قباد پس از بلاش (نک. بخش بالا: درگیری بین قباد و بلاش، برادر قباد) از علایم نجمی مانند ستاره و ماه روی سکه‌های دوره اول خود استفاده می‌کند. در دوره دوم حکومت قباد

اول، یعنی پس از بحران جاماسب، علاوه بر اضافه شدن دیهیم بر بالای تاج قباد از نمای روبه‌رو، ستاره و ماه روی سکه، پیرامون حلقه نیز اضافه می‌شوند. در نتیجه در دوره دوم حکومت قباد و پس از بحران جاماسب باز هم علائم ستاره و ماه اضافه می‌شوند که حاکی از مشروعیت بیشتر یا فره افزون‌تر است. سکه‌های تغییر یافته خسرو دوم پس از بحران بهرام چوبینه نیز ستاره و ماه در پیرامون حلقه اضافه می‌شود. دریایی (33:1387) از خورشید به جای ستاره یاد می‌کند.

اضافه شدن دیهیم از نمای روبه‌رو

در نوبت دوم حکومت قباد پس از جاماسب، دیهیم از نمای روبه‌رو و در بالای تاج اضافه می‌شود. تاج ساسانی سمبل پیوند فرمان‌روا با نیروهای آسمانی بود و علائم و تزیینات آن نیز این مطلب را تأیید می‌کند (سرفراز و آورزمانی، 93:1380). پادشاهان ساسانی از نمادهای دینی برای نمایش مشروعیت خود در مواقع بحران بهره می‌گرفتند. برای نمونه تاج خسرو دوم پس از بحران بهرام چوبینه به تاج بهرام، ایزد زردشتی و نماد پیروزی، تغییر یافت (دریایی، 37:1387).

از آن‌جا که دوره دوم حکومت قباد پس از بحران جاماسب، برادر قباد اول، بود؛ بنابراین قباد بدین‌وسیله و با ترسیم دیهیم، نشان فره است و آن را در ظروف و به دور کمان، اسب شاه و غیره می‌توان دید، مشروعیت خود را با استفاده از نمادهای دینی نمایش می‌دهد. برای نخستین بار پیروز اول در نوع سوم سکه‌های خود از الگوی دیهیم از نمای روبه‌رو، ولی در پایین شانه‌های شاه استفاده می‌کند. قباد نیز از الگوی پدر خود یعنی دیهیم از نمای روبه‌رو و در مکان متفاوتی، بالای تاج، استفاده می‌کند. تاج پادشاهان از قانون روبه‌رونمایی تبعیت می‌کند. درحالی‌که چهره اغلب از نیم‌رخ است (سرفراز و آورزمانی، 93:1380)؛ بنابراین می‌توان این‌گونه پنداشت که روبه‌رونمایی، قدرت پادشاه را در ذهن بیننده بهتر نمایش می‌دهد است.⁷

الگوی شخص اهداکننده حلقه قدرت یا دیهیم

این الگو در تمامی سکه‌های جاماسب دیده می‌شود. جاماسب در این دوره کوتاه سلطنت، با تصویرکردن الگوی شخص اهداکننده حلقه قدرت یا دیهیم، می‌خواهد خود را حاکم برحق

بازتاب نمادین مشروعیت بر سکه‌های ... ایلناز رهبر و همکاران

و مشروع و برگزیده اهورامزدا معرفی کند. نکته بسیار با اهمیت درباره جاماسب این است که تمامی سکه‌های او این وضعیت را دارند و صرفاً به یک، دو و یا چند نمونه محدود اختصاص ندارد. این الگو صریح‌ترین الگوی نمایش مشروعیت است و ریشه آن به دوران اردشیر اول و سنگ‌نگاره فیروزآباد بازمی‌گردد که اردشیر بدین وسیله حکومت خود را قانونی اعلام می‌کند.⁸ بحران دوره جاماسب بسیار شدیدتر از دوران‌های پیشین بود؛ زیرا کسب مشروعیت در قالب تصویر با صریح‌ترین شکل نشان داده شده است. نکته قابل توجه دیگر تناسب شخص اهداکننده و جاماسب است. شخص ایزد زرتشتی اهداکننده حلقه نیز در اندازه کوچک‌تر ترسیم و مقام پادشاه حتی بزرگ‌تر از این شخصیت دینی و در نتیجه قدرتمندتر نشان داده شده است.

قباد اول نیز سکه‌ای منحصربه‌فرد و زرین دارد که با چهره تمام‌رخ از روبه‌رو و پشت سکه در حال گرفتن حلقه - شخص اهداکننده ترسیم نشده و فقط حالت گرفتن او نشان داده شده است، که اختصاص به سال 512 م. دارد. از این سکه صرفاً چند نمونه (و شاید یک عدد) بیشتر وجود ندارد و جزء سکه‌های منحصربه‌فرد یا یادگاری او است، که در تعداد کم ضرب می‌شد؛ بنابراین به طور مشخص نمی‌توان این سکه را به بحران به‌وجود آمده پس از جاماسب نسبت داد. با توجه به کمبود شواهد تاریخی نیز نمی‌توان به‌طور دقیق دلیل خاصی برای آن یافت.

درباره سکه‌های طلا در دوره ساسانی باید اذعان کرد که ساسانیان برخلاف اسلاف خود با هر سه فلز سکه ضرب می‌کردند. اشکانیان هرگز این کار را نکردند، اما ساسانیان «به دلیل شهرت طلبی ضرب طلا را یک ضرورت تشخیص دادند» و دلیل دیگری هم دارد که با نخستین شاهنشاهان ساسانی، سیاست خاوری شکل گرفت که در نتیجه لشکرکشی‌هایی را بر ضد کوشان و به شمال هندوستان یعنی مناطقی که ضرب طلا پیشتر در آن‌ها معمول بود به دنبال آورد و البته تحرکات نظامی در این مناطق فقط با طلا می‌توانست راه انداخته شود (گوبل، 1382: 109). اگرچه سکه طلا در امپراطوری ساسانی در ضرب‌های مستقل و مختلف در گردش بود، اما در مجموع در سرتاسر این دوره، سکه اصلی دراختم بوده و امروزه نیز وقتی از سکه ساسانی صحبت می‌شود، دراختم مورد نظر است (همان، 114). نکته دیگری که سبب شده تعداد مسکوکات زرین دوره ساسانی بسیار اندک باشد این است که پادشاه بعدی پس از

به تخت نشستن مسکوکات زرین پادشاه گذشته را جمع‌آوری کرده، می‌گذاختند و از نو سکه می‌زدند (اشراقی و نادری‌قره‌بابا، 11:1386).

اردشیر اول ضرب سکه طلا را متداول کرد و یکی از دلایل کار او این بود که امپراطوری روم را متوجه قدرت ایران کند و از سوی دیگر سنت هخامنشی را احیا کند (سرفراز و آورزمانی، 1380: 105). گوبل (112:1382) می‌گوید در زمان ساسانی، ضرب طلا در مقایسه با ضرب عظیم مسکوکات سیمین مطمئناً تزیینی است و ساسانیان بی‌تردید در ضرب سکه طلا از الگوی رومی استفاده می‌کردند و در ضرب سکه نقره و مس از نمونه‌های هلنیستی حمایت می‌کردند. برای نمونه در زمان خسرو پرویز سکه‌ای که ظاهراً سنگین‌تر نیز دیده می‌شود که گویا برای حفظ سکه یادگاری به کار رفته است و نظیر این در روم هم هست (همان: 113). درخصوص سکه‌های طلای منحصربه‌فرد می‌توان پنداشت که طلا بودن سکه حاکی از جنبه کاربردی و اقتصادی نبوده و صرفاً نشان‌دهنده تبلیغات جهت مشروعیت او میان اشراف و دربار بود و تبلیغات علیه حکومت روم نیز می‌تواند به ضرب این سکه مرتبط باشد.

معرفی ولیعهد

درخصوص جانشینی قباد و سکه‌های او با خسرو باید عنوان کرد که قباد تصمیم گرفت شخصاً جانشین خود را انتخاب کند. او سه پسر داشت که قابل پادشاهی بودند. کاووس، پسر ارشد، به روایت ثئوفانس با مذهب مزدکیه پرورش یافته بود و نمی‌توانست برای پادشاهی انتخاب شود. فرزند دوم، جم که نابینایی وی از یک چشم موجب محرومیت از سلطنت می‌شد، هر چند این رسم محتوم نبود. قباد می‌خواست که خسرو را جانشین خود کند و همچنین از شورش‌های پس از مرگ خود نیز بیمناک بود، به این دلیل او را به فرزندخواندگی امپراطور ژوستین⁹ در آورده و پیشنهاد صلح قطعی داد (کریستنسن، 255-257:1385). نقشه مزدکیان برای ولیعهدی کاووس دلیل قلع و قمعشان در سال‌های 528-529 بود (همان: 259)؛ بنابراین ضرب سکه قباد و ولیعهد را باید ابزاری برای پایان دادن به هرج و مرج در این زمینه و فراهم آوردن زمینه برای مشروعیت خسرو دانست. نمودار 1 تغییرات کلی سکه در زمان قباد اول و جاماسب را نشان می‌دهد.

بازتاب نمادین مشروعیت بر سکه‌های ... ایلناز رهبر و همکاران



نمودار 1 تغییرات سکه در زمان قباد اول و جاماسب (الگو از نگارندگان)

6. نتیجه‌گیری

از کاربردهای آثار هنری میان کاربردهای متعدد آن، «متقاعدکردن و تبلیغ» است. از آن‌جا که تاریخ ایران در غالب موارد فقط تاریخ سیاسی را شامل می‌شود، تصاویر به‌عنوان بخشی از بدنه حکومتی در جامعه تولید و بازتولید می‌شده است؛ بنابراین برای درک تجارب دیداری یک عصر و بنیادهای مؤثر بر آن کشف رابطه میان تصویر و واقعیت برای دریافت بینش حاکم بر آن ضروری است. در پژوهش حاضر تغییرات سکه‌های دوره ساسانی و به‌طور موردی سکه‌های قباد اول و جاماسب مورد مطالعه قرار گرفته است. تغییرات حاصل در سکه‌ها صرفاً تغییرات زیبایی‌شناسی و یا اصلاح هنری نبودند و تقریباً همگی تحت تأثیر حوادث تاریخی، بحران‌ها و گسست‌های ایجادشده در اندیشه حاکم بر دوره ساسانی یعنی اندیشه شهریاری بودند. در مواقع بحران، فرمان‌روایان ساسانی دست به تغییر سکه می‌زدند و در این تغییرات از اندیشه‌های جزمی دین زردشتی مانند فره ایزدی بهره می‌بردند تا بدین‌وسیله حکومت خود را مشروع و قانونی نمایش دهند. در حقیقت فره به شاه مشروعیت می‌داد.

قباد اول پس از روی کار آمدن، به دلیل نزاع میان او و برادرش بلاش، روی سکه‌های ابتدایی از تاج برادر خود به نشانه مشروعیت دودمانی و علایم نجمی و دینی مانند ستاره و ماه به منظور فره‌مندتری استفاده می‌کند. موبدان پس از ظهور فرقه مزدکیه و خلع قباد، دیگر برادر، جاماسب، را برای سلطنت

انتخاب می‌کنند. جاماسب برای نمایش مشروعیت، روی سکه‌ها خود را در حال دریافت حلقه قدرت یا دیهیم که ایزدی آن را به پادشاه اهدا می‌کند، تصویر می‌کند. این الگو با صراحت حکومت جاماسب را مشروع، برگزیده اهورامزدا و فرهمند نشان می‌دهد. قباد دوباره به سلطنت می‌رسد. در دوره دوم پادشاهی علاوه بر بازگشت به سکه‌های پیشین خود (با همان تغییرات یاد شده)، دوباره از نمادهای ستاره و ماه استفاده می‌کند، ولی در خارج از حلقه پیرامونی و همچنین روی تاج خود از علامت دیهیمی با نمای روبه‌رو استفاده می‌کند تا دگربار فرهمندی و مشروعیت حکومت خود را نشان دهد. در سکه‌ای که قباد و ولیعهد یعنی خسرو اول نمایش داده شده‌اند نیز بحرانی در انتخاب ولیعهد وجود داشته و قباد بدین‌وسیله به حکومت خسرو مشروعیت داده است.

1. How art made the world (2005) PBS Documentary series

2. «مشروعیت نه صرفاً به قانونیت دولت از نظر حقوقی، بلکه به پذیرش اجتماعی آن از جانب اتباع مربوط می‌شود» (نشیری، 1380:36).

3. ناگفته نماند که معمولاً داستان‌های افسانه‌آمیز درباره پادشاهان وجود دارد و در بیشتر افسانه‌های ایرانی یک مضمون مشترک برای پادشاهان دیده می‌شود و آن این است که شخصی به تقدیر الهی برای پادشاهی برگزیده می‌شود و در جوانی با زندگی سخت و محرومیت بزرگ می‌شود و در تنهایی به پادشاهی می‌رسد. مانند داستان کوروش، فریدون، کیخسرو، داراب فرزند همای، اردشیر بابکان، شاهپور فرزند اردشیر و هرمز پسر شاهپور. مضمون این است که کودکی در شرایط خاصی زاده می‌شود و به نقطه‌ای دورافتاده برای پرورش نزد افراد دیگری سپرده می‌شود و روزی برمی‌گردد و پادشاه می‌شود (کناوت، 35-2535:34). شاه‌زاده اغلب فرزند مشترک دو دشمن است مثلاً شاهپور فرزند یک پادشاه ساسانی و شاه‌زاده اشکانی است که عضو رابط خاندان پادشاهی پیشین و کنونی است (همان: 36).

4. نام این حیوان در متن پهلوی چیزی دیگر است که به آسانی می‌توان آن را «رنگ» خواند. رنگ در لغت‌نامه به معنی: نخجیر، بز کوهی، گوسفند و گاو دشتی آمده است. اغلب محققان با افزودن حرفی به اول فرم مکتوب پهلوی، آن را بره خوانده‌اند ولی باید توجه داشت که بره نمی‌تواند چنان سریع به دنبال بادپایان بدود و نیز صفت ستبر و فربه که در متن آمده، صفت مناسبی برای بره نیست. فردوسی این حیوان را «غرم» می‌خواند (باقری، 1378:34).

5. اگرچه باید اضافه کرد که برخی جملات بعدها و در اثر گذشت زمان و به علل متفاوت به کتاب‌های پهلوی اضافه شده‌اند و فره مفهومی کهن بوده که از ادوار پیشین در اذهان مردم وجود داشته است.

بازتاب نمادین مشروعیت بر سکه‌های ... ایلناز رهبر و همکاران

6. برای مثال روی سکه‌های آتن در یک طرف سکه تصویر آناهیتا و در طرف دیگر جغد که مظهر اوست نقش شده است (بیانی، 2535:24).

7. مانند اصل تقابل در تصویرسازی بدن انسان در مصر و بین‌النهرین که مهم‌ترین بخش‌ها مانند چشم‌ها از روبه‌رو تصویر می‌شده است. در نتیجه حکومت‌های پیشین به این اصل دست یافته بودند که نمایش یک جسم از روبه‌رو در ذهن بیننده تأثیر بیشتری خواهد گذاشت.

8. این الگو پیش از این دوره در سکه‌های بهرام دوم، در سکه‌های نوع آخر، دیده می‌شود.

9. Justin

7. منابع

- آموزگار، ژاله (1390). «زبان، فرهنگ، اسطوره»، *مجموعه مقالات*، تهران: معین.
- اشراقی، احسان و حسین نادری‌قره‌بابا (1386). «نقش سکه و مهر در اقتصاد ساسانیان»، *نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی*، سال 13، شماره 25: 1-18.
- افشارکشاوری، مهدی (1392). «نسبت میان تصویر و قدرت در دوره قاجاریه متأخر (دوره ناصری تا انقلاب مشروطه)»، *رساله دکتری پژوهش هنر*، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- افهمی، رضا (1385). «فرهنگ بصری حاکم بر هنر هخامنشی»، *رساله دکتری پژوهش هنر*، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- امینی، امین (1389). *سکه‌های ساسانی*، تهران: نشر پازینه.
- باقری، مه‌ری (1378). *کارنامه اردشیر بابکان*، تهران: نشر قطره.
- بیانی، ملک‌زاده (1355 (2535)). *تاریخ سکه*، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بشیری، حسین (1380). *آموزش دانش سیاسی*، تهران: نگاه معاصر.
- دریایی، تورج (1387). *تاریخ و فرهنگ ساسانی*، ترجمه مهرداد قدرت‌دیزجی، تهران: انتشارات ققنوس.
- _____ (1392). *ناگفته‌های امپراطوری ساسانیان*، ترجمه آهنگ حقانی و محمود فاضلی بیرجندی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر پارسه.

- دوستخواه، جلیل (1389). *اوستا کهن‌ترین سرودهای ایرانیان*، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات مروارید.
- رستم‌وندی، تقی (1388). *بازخوانی اندیشه سیاسی حکیم ابوالقاسم فردوسی، خواجه نظام‌الملک طوسی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رضایی‌راد، محمد (1378). *خرد مزدایی*، تهران: انتشارات طرح نو.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (1364). *تاریخ مردم ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سرفراز، علی‌اکبر و فریدون آورزمانی (1380). *سکه‌های ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- سودآور، ابوالعلاء (1383). *فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان*، تهران: نشر میرک.
- شیخ‌مهدی، علی و هانیه نیکخواه (1389). «*رهیافتی به سیاست‌های فرهنگی ایلخانان در سده سیزدهم/هفتم در واکاوی نقوش سفال‌های زرین‌فام ایران*»، *فصل‌نامه مطالعات هنر اسلامی*، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان، صص 109-129.
- طباطبایی، سید جواد (1385). *خواجه نظام‌الملک، تبریز، ستوده*.
- طبری (1375). *تاریخ طبری*، ترجمه ابولقاسم پاینده، جلد دوم، تهران: انتشارات اساطیر.
- کریستنسن، آرتور (1385). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.
- کناوت، ولفانگ (1355 (2535)). *آرمان شهریاری ایران باستان*، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- گوبل، روبرت (1382). «*سکه‌زنی*»، *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*، تألیف: فرانتس آلتهایم و روت استیل، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مبینی، مهتاب (1391). «*پژوهشی در نمادها و نمایش قدرت پادشاهان در هنر هخامنشی*»، *رساله دکتری پژوهش هنر*، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء.
- <http://www.grifterrec.com>, 12/3/2014.
- Gowans, Alan (1971). *The Unchanging Arts*, New York, Harper and Row.
- Spivey, Nigel (2005). *How Art Made the World*, five-part BBC One Documentary Series (films), Part 2.